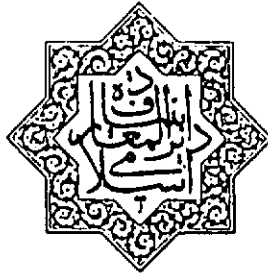


# جای خالی مطبوعات در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی



## مسعود کوهستانی نژاد

در مقدمه جلد نخست دایرةالمعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است: «... مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی توفیق یافته است که با تکیه بر روشهای علمی و استناد بر موثق ترین منابع و تازه ترین اطلاعات به تدوین دایرةالمعارف بپردازد که نیاز علمی جوامع اسلامی را در این زمینه - تا آنجا که ممکن است - برآورده سازد. این دایرةالمعارف به اعتبار انحصار آن به فرهنگ جهان اسلام، تخصصی است. ولی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد: علوم قرآنی، اصول عقاید، کلام، فقه، اصول فقه، حدیث، درایه، رجال، اخلاق، ادیان، ملل و نحل، منطق، فلسفه، عرفان، ادبیات، هنر، مردم‌شناسی، معماری و آثار اسلامی، تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، نجوم و طب از جمله موضوعاتی است که در این دایرةالمعارف از آنها بحث می‌شود...» به این ترتیب همانگونه که می‌باید و انتظار می‌رود مقالات مندرج در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی بر پایه اطلاعاتی است که از موثق ترین منابع استخراج شده‌اند و پس از طی مراحل مختلف و دقیقی تبدیل به یک مقاله شده‌اند و در مجموعه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ارائه می‌شوند. در اینجا به نحوه ارائه و نیز محتوای عناوین مطبوعات که در این دایرةالمعارف یافت می‌شوند، می‌پردازیم.

در یک دید کلی، از مجموع ۵ جلد (اول تا پنجم) دایرةالمعارف و براساس فهرست انتهایی مجلدات مذکور، در جلد اول تنها سه عنوان از مطبوعات منتشر شده در ایران و

دایرةالمعارف، از مهمترین وسایل انتقال فرهنگ و علوم و آینه‌ای تمام‌نما برای انعکاس علوم و فرهنگ یک جامعه به جوامع و نسلهای دیگر است. دایرةالمعارف‌نویسی در ایران سابقه‌ای دیرینه و انفرادی دارد، اما در سالهای اخیر کوششهای دسته‌جمعی سودمندی در راه تدوین و تالیف انواع دایرةالمعارف صورت گرفته که آخرین و گسترده‌ترین آنها تدوین دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است. آنچه در پی می‌آید مروری بر مدخلهای موجود مطبوعات در این دایرةالمعارف و کاستی‌های آن است.

جهان اسلام وجود دارد که از آن میان تنها دو عنوان آن (مجله و روزنامه آفتاب) از مطبوعات منتشر شده در ایران هستند. در جلد دوم در ذیل عنوان آموزش و پرورش، توضیحاتی درباره مجله‌های سه‌گانه اصول تعلیمات، تعلیم و تربیت و نیز آموزش و پرورش داده شده است. و در جلد‌های ۳ و ۴ و ۵ هیچ عنوانی از نشریه‌ها دیده نمی‌شود. لازم به تذکر است که از چهار عنوان مذکور، یک عنوان (آریانا) توسط سیدعلی آل‌داود و سه عنوان دیگر (مجله آفتاب، روزنامه آفتاب و مجله آموزش و پرورش) توسط بخش ادبیات مرکز مذکور تدوین یافته‌اند، که در اینجا خلاصه‌ای از یک نمونه عناوین فوق‌الذکر نقل می‌شود:

«آریانا: مجله‌ای تاریخی، ادبی و تحقیقی از انتشارات انجمن تاریخ افغانستان که از بهمن ۱۳۲۱ ش انتشار آن آغاز گشت. بنیادگذار و نخستین مدیر آن، احمدعلی کهزاد از استادان تاریخ‌شناس افغانستان بوده و در سالهای بعد

مدیریت آن به عهده افراد دیگر گذاشته شد... آریانا را از لحاظ مقالات و مطالب و همچنین به دلیل ادامه انتشار در بیش از ۳۰ سال متوالی، می‌توان مهمترین مجله‌ای دانست که در افغانستان منتشر گشته است...»<sup>۱</sup>

در مورد نکات مندرج در مقالات مربوط به جراید در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

نکته اول: اولین و مهمترین موضوع نادیده گرفته شدن تعداد زیادی از مطبوعات منتشر شده در ایران در این دایرةالمعارف است. جهت هرچه روشن تر شدن موضوع باید گفت که مجموع ۵ جلد دایرةالمعارف مذکور شامل مدخلهایی است که از کلمه آب شروع می‌شود و تا ابوالعزقلانسی ادامه می‌یابد. در همین محدوده لغوی (یعنی از «آب» تا «ابوالعزقلانسی») تنها در زبان فارسی (و نه در جهان اسلام) ۶۴ عنوان نشریه (مجله، روزنامه، هفته‌نامه و...) که در طول افزون بر ۱۶۰ سال گذشته چاپ شده‌اند، وجود دارد.<sup>۲</sup> از سویی دیگر، رسالات متعددی نیز در زمینه چگونگی فعالیت مطبوعات (حداقل در ایران) تألیف شده‌اند. در ایران از ۸۰ سال پیش تاکنون تحقیقات گسترده و دامنه‌داری در خصوص چگونگی فعالیت مطبوعات انجام شده، به‌نحوی که اکنون بیش از ۵۰ عنوان کتاب در زمینه ابعاد مختلف فعالیت و نیز فهرستهای گوناگونی از مطبوعات وجود دارد. علاوه بر آن در کتابخانه‌های دولتی (ملی ایران، مرکزی دانشگاه تهران، مجلس شورای اسلامی)

و خصوصی دوره‌هایی از اغلب جراید منتشر شده یافت می‌شود. این نکات حاکی از وجود اطلاعات وسیع و گسترده از جراید و مطبوعات ایران است و معلوم نیست که بی‌توجهی به ۶۰ عنوان جریده فارسی که باید در این مجلدات ۵ گانه دایرةالمعارف اسلامی جای می‌گرفتند، چه علتی داشته است. البته این نکته که به نسبت سهم عظیم جراید در باروری فرهنگ در کشورهای اسلامی و علی‌الخصوص ایران، پژوهش‌ها و تحقیقات اندکی در مورد چگونگی فعالیت آنها انجام شده است، فقط تا اندازه‌ای صحیح است ولی همین مقدار هم آنچنان کم نیست که بتوان با توجیه «... دست‌نخورده بودن زمینه تحقیق...» و یا «... دور بودن از دسترس متخصصان...»<sup>۳</sup> از ۶۴ عنوان نشریه تنها به ذکر ۴ عنوان اکتفا نمود. نکته دوم: با مروری بر مقالات مربوط به جراید متوجه محدودیت منابع و نیز قدیمی بودن آنها می‌شویم منابع مورد استفاده (که به‌طور مستقیم به تاریخ جراید و مطبوعات در ایران ارتباط پیدا می‌کنند) عبارتند از:

تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت از ادوارد براون؛ تاریخ جراید و مجلات ایران از صدر هاشمی و تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از گوئل کهن.

نکته سوم: به‌منظور بررسی و نقد محتوای عناوین جراید، یک نمونه از آنها (در روزنامه آفتاب) را انتخاب می‌کنیم و ابتدا خلاصه و چکیده مطالب مطرح شده در ذیل جریده آفتاب (در جلد اول) را مرور می‌نماییم.

«... آفتاب: روزنامه‌ای فارسی که در ۲۹ محرم ۱۳۳۰ ق/ ۱۹ ژانویه ۱۹۱۲ در تهران به سردبیری میرزا حسین عبدالوهاب‌زاده کمال‌السلطان بنیاد نهاده شد. (ظاهراً کمال‌السلطان و عبدالوهاب‌زاده چنانکه صدرهاشمی و الول ساتن تصور کرده‌اند دو شخص جداگانه نیستند).

... روزنامه آفتاب در دوران نیابت سلطنت ناصرالملک (۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ ه. ق) و خفقان حاکم بر مطبوعات ایران با پشتیبانی دولت

## ■ منابع مورد استفاده تدوین

**کنندگان دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در زمینه مطبوعات، قدیمی و محدود بوده است.**

**■ در حال حاضر بیش از ۵۰ عنوان کتاب و فهرست در زمینه‌های مختلف مطبوعات وجود دارد.**

**■ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در معرفی نشریات ایرانی، فقط از چهار کتاب نه چندان جدید به‌عنوان منبع سود برده است.**

مستشرق‌گردید و در واقع ارگان رسمی یا نیمه‌رسمی دولت بود که از خواسته‌های ناصرالملک حمایت می‌کرد. این نشریه از نظر سیاسی به اعتدالیون وابسته بود و در شماره نخست آن نطق وزیر خارجه انگلستان درج شده بود و به قولی وثوق‌الدوله (در ۱۳۲۹ ش) خود مقالات اصلی آن را می‌نوشت (براون ۱۷۹/۲) ... آخرین شماره آن (۳۳۷) مورخ ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق در آرشیو کتابخانه ملی هست...»<sup>۴</sup>

در مورد مطالب فوق، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. برخلاف اظهار نویسنده، کمال‌السلطان و عبدالوهاب زاده دو شخص جداگانه بودند، مضافاً آنکه مقصود و مراد از کلمه «ظاهراً» در عبارت فوق مشخص نیست.

۲. پس از چاپ شماره ۲۵۴ جریده آفتاب در محرم ۱۳۳۲ ق، این جریده به مدت هشت ماه در محاق توقیف افتاد. ۵. شماره ۲۵۵ آن در ماه رمضان ۱۳۳۲ قمری به چاپ رسید. علت توقیف هشت ماهه چیزی جز اختلاف نظر مدیر جریده آفتاب با دولت در خصوص چگونگی ارائه مطالب نبود. علت این توقیف را مدیریت بعدی جریده آفتاب چنین نقل کرده است: «... این روزنامه قریب یک‌سال و اندی در عرصه میدان سخن‌وری بی‌آنکه حریف و رقیبی داشته باشد، اسب خود را سخت در جولان آورده و در مسابقه خود با هویت

خوش‌گرو می‌بست. این جمله باعث شد که دوامی کرده و رونقی گرفت و دولت هم به واسطه تراکم اشغال و نظر به حسن‌ظنی که در تحسینات جریان امور داشت طوری او را آزاد و مطلق‌العنان ساخت که مندرجاتش ابداً مربوط و مطابق با افکار سامیه دولتیان نبود. فقط چیزی که ارتباط دولت را با این روزنامه ثابت می‌کرد اعانه و مساعدتی مالی بود که ماه به ماه، به اختلاف، مبلغی عاید اداره می‌شد. بعد از آنکه هیأت دولت قدری از آلودگی فراغت حاصل کرد و صحبت انتخابات در میان آمد (... آفتاب (...)) شروع به نشر مقالات نمود. یک وقت به هوش آمد که نه تنها مورد ایراد و تعرض دولت واقع شده، بلکه کوس او را بر سر بازارها زده و در مجالس تعزیه‌داری و روضه‌خوانی مدیر آن را دستخوش اهانت و تحقیر و بلکه ... نمودند. همینکه این لطمه بر جریده آفتاب وارد شد نه تنها منجر به توقیف روزنامه و انفصال مدیر و سرگردانی اعضاء شد. بلکه انعکاس آن در تمام ولایات مانند یک صحیفه ملغونه جلوه کرد و نگارنده هم مبطل ادیان و مخرب شرایع به قلم رفت و برای اطفاء آتش فتنه، دولت ناچار شد اداره را هم توقیف کند. اکنون مجدداً از طرف دولت اجازه افتتاح و تأسیس جریده آفتاب صادر شده است و فقط ماده اجتماع و وجه مناسبت و مشابهتی که با روزنامه سابق دارد همان اسم است (...)) روزنامه امروز ربطی به سابق نداشته، علاوه بر آنکه مقالات اساسی آن باید از نظر نمایندگان رسمی دولت بگذرد، خود مدیر هم نهایت مذاقه و سعی در اصلاح و جلوگیری از طغیان قلم (...)) می‌نمایند»<sup>۶</sup>

در یک جمع‌بندی از مطالب فوق می‌توان گفت که: جریده آفتاب در طول حیات خود دو دوره را طی نموده است. در دوره اول علیرغم برخورداری از کمک‌های دولت به‌طور مستقل عمل می‌کرد. این دوره مقارن با نیابت سلطنت ناصرالملک بود. در دوره دوم که از رمضان ۱۳۳۲ ق آغاز شد جریده آفتاب کاملاً تحت نظارت دولت و وزارت معارف قرار گرفت و

## ■ تعداد زیادی از نشریات

### منتشر شده در ایران در

**دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، معرفی نشده‌اند.**

### ■ در پنج جلد دایرةالمعارف بزرگ

**اسلامی که شامل مدخلهایی از «آب»**

**تا «ابوالعزقلانسی» است، فقط نام**

**چهار نشریه ایرانی ذکر شده در**

**حالی که حداقل باید از ۶۴ عنوان**

**نشریه نام برده می‌شد.**



این دوره مقارن با شروع سلطنت احمدشاه (و در نتیجه پایان دوره نیابت سلطنت ناصرالملک) همراه بود.

از سویی دیگر، پس از طین هشت ماه توقیف و شروع به کار مجدد جریده آفتاب مدیریت آن برعهده سیدصادق ادیب‌الممالک، مؤسس و نگارنده جراید، ادب و عراق عجم و مدیر جریده مجلس (در سال اول) قرار گرفت<sup>۷</sup> و این روند تا پایان حیات جریده مذکور ادامه یافت.

۳. نکته بسیار اساسی و مهم در محتوای مطالبی که تحت عنوان جریده آفتاب در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی درج شده آن است که به نظر می‌رسد که نویسنده و یا نویسندگان این مقاله توجه کافی به نقش و ارزش فرهنگی یک جریده و به خصوص جریده آفتاب که در یک دوره بسیار حساس از تاریخ معاصر ایران منتشر می‌شد، نکرده‌اند. جریده آفتاب در طول مدت انتشار و به‌ویژه در اولین دوره حیات خود (۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ ه.ق) حاوی تحلیلهای، رسالات علمی، گزارشهای سیاسی، قطعات ادبی و فرهنگی بسیار بود و از همه مهمتر این که منبع بسیار ارزشمندی جهت شناخت وقایع تاریخی و نیز تدوین تاریخ معاصر ایران است. عنایت نکردن به ارزش و وجود این بار فرهنگی در یک جریده (و همچنین کمابیش در جراید دیگر منتشرشده در ایران) سبب بی‌توجهی و عدم تعمیق تحقیقات و پژوهشهای مربوط به جریده‌نگاری می‌شود. آیا به راستی چاپ سخنرانی وزیر امور خارجه انگلیس در نخستین شماره جریده آفتاب سبب تعیین خط مشی این جریده می‌شود؟ و یا اظهار نظر ادوارد براون مبنی بر آنکه «... سرمقاله‌های مهم آفتاب به شخص وزیرامورخارجه، و ثوق‌الدوله اسناد داده می‌شد...»<sup>۸</sup> می‌تواند مأخذی جهت تعیین سیاست حاکم بر یک نشریه باشد؟ و حال به فرض اینکه صبغه (فرضی) سیاسی مذکور صحت داشته باشد، آیا می‌توان به این اعتبار ارزشهای فرهنگی، ادبی و تاریخی یک جریده

داشته) در تألیف این مقاله استفاده نشده است. در مجموع نکات فوق، موضوعاتی هستند که می‌توان در خصوص محتوای یکی از مدخلهای دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که در مورد مطبوعات نگارش یافته است، بیان داشت. با توجه به سخن سروراستار دایرةالمعارف (در مقدمه جلد نخست) مبنی بر آنکه «... اعتراف می‌کنیم که در امر خطیر انتخاب مدخلهای با همه دقتی که به عمل آمده کمال مطلوب حاصل نشده است و مسلماً در چاپهای بعدی برخی از مدخلهای جلد اول حذف و مدخلهایی دیگر افزوده خواهد شد...» می‌توان و باید انتظار داشت که در چاپهای بعدی مجلدات اول تا پنجم و نیز در تدوین و تألیف مجلدات بعدی این دایرةالمعارف جراید و مطبوعات جایگاه و مقام در خور شأن خود را پیدا نمایند.

### حاشیه:

۱. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱: ۳۰۰ و ۳۰۱.
۲. راهنمای مطبوعات ایران، عصرقاجار. تألیف سیدفرید قاسمی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲): ۳۰۴ ص.
۳. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱: ۹.
۴. همانجا، ص ۴۴۵.
۵. جریده آفتاب، ش ۲۵۷ (۱۳ رمضان ۱۳۳۲ ق = ۱۴ اسد ۱۲۹۳ ش): ۱.
۶. همانجا، ش ۲۶۷ (۱۷ ذیقعده ۱۳۳۲ ق = ۵ میزان ۱۲۹۳ ش): ۱.
۷. همانجا.
۸. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ادوارد براون، ترجمه محمدعباسی (تهران: معرفت، ۱۳۶۴): ج ۲، ۱۷۹.

را با یک نقل قول نادیده انگاشت؟

۴. و موضوع آخر این که با مروری بر منابعی که جهت تدوین مقاله مزبور مورد استفاده قرار گرفته‌اند متوجه می‌شویم که:

اولاً: تنها از چهار کتاب به‌عنوان منبع سود برده شده است؛

ثانیاً: تنها سه عنوان از کتابهای مذکور به تاریخ مطبوعات مربوط می‌شوند؛

ثالثاً: کتابهای مذکور قدیمی هستند و در زمره پژوهشها و تحقیقات جدیدی که درباره مطبوعات نگارش یافته‌اند نیستند؛

رابعاً: با کمال تأسف از محتویات جریده آفتاب (که دردسترس مؤلفین مذکور قرار